

طلاق به خاطر گردنبند ۱۲۰ میلیون تومانی

گروه حوادث/ زن جوان وقتی با پاسخ منفی شوهرش برای خرید گردنبند طلای ۱۲۰ میلیون تومانی روبه رو شد برای طلاق به دادگاه خانواده رفت. یکی از روزهای گرم تابستان که مثل هر روز راهروهای دادگاه خانواده پر از زوج‌های جوان و میانسالی بود که برای جدایی راهی این دادگاه شده بودند این بار صحبت‌های زوج جوانی بیش از بقیه توجه حاضران را به خود جلب کرده بود. زن جوان مدام از یک گردنبند طلا صحبت می‌کرد و شوهرش هم از انتظارات بی‌جایی که او داشت.

وقتی وارد شعبه دادگاه شدند قاضی از بالای عینک نگاهی به این زوج جوان کرد و گفت: چند وقت است ازدواج کرده اید؟

مرد جوان که شاهین نام داشت، گفت: تقریباً ۷ ماه است.

قاضی با تعجب گفت: چقدر زود سروکار تان به دادگاه افتاد. دلپیش چیست؟

شاهین با نگاهی به همسرش گفت، چی بگم آقای قاضی این خانم انقدر دنبال چشم و همچشمی و مقایسه زندگی ما با دیگران است که زندگی را تباه کرده الان هم فقط به خاطر اینکه گردنبند طلای ۱۲۰ میلیونی برایش نخریدم دادخواست طلاق داده است.

قاضی عینک خود را برداشت و رو به بیتا کرد و گفت: دخترم واقعاً خرید یک گردنبند طلای چندمیلیونی انقدر برایت مهم بوده که دادخواست طلاق دادی؟

بیتا گفت: بله که مهم بوده. جناب قاضی من خیلی خواستگار داشتم اما هیچ کدام به اندازه شاهین پولدار نبودند همین باعث شد که به او جواب مثبت بدهم البته به او علاقه هم داشتم اما دروغ نمی‌گویم پولش برایم مهم‌تر بود با این حال وقتی ازدواج کردیم متوجه شدم خیلی خسیس است و هیچ کدام از خواسته‌هایم را انجام نمی‌دهد.

شاهین به نشانه اعتراض ایستاد و گفت: جناب قاضی من انقدری پول ندارم که از پس خواسته‌های این خانم بریبیم. در ضمن اصلاً نمی‌دانستم او به خاطر پول با من ازدواج کرده و الان از زبان خودش می‌شنوم. من فکری می‌کردم مرا دوست دارد او خانواده خوبی دارد و پدرش مرد محترمی است اما نمی‌دانم چرا خودش انقدر پول پرست شده است. اگر از اول گفته بود به خاطر پولم می‌خواهد با من ازدواج کند من اصلاً قبول نمی‌کردم. ضمن اینکه او مدام دنبال این است که ببیند دختر خاله‌اش چه لباسی خریده یا خواهرش چه گوشی خریده یا دوستانش چه طلا و جواهراتی خریده‌اند تا او هم سریع همان را یا بهتر از آن را بخرد. دیگر خسته شدم الان هم که نتوانستم برایش گردنبند طلا بخرم چون واقعاً این همه پول نداشتم. اگر می‌خریدم بهترین شوهر دنیا بودم اما حالا که نتوانستم درخواست طلاق داده است. امروز که فهمیدم او مرا به‌عنوان یک صندوق پول نگاه می‌کند دیگر نمی‌توانم تحمل کنم و اگر خودش را اصلاح نکند طلاقم می‌دهم. من یک نمایشگاه ماشین دارم با کلی خرج و مخارج که باید مراقب دخل و خرجم باشم.

بیتا با شنیدن این حرف بشدت عصبانی شد و با لحن تندی گفت: تو طلاقم می‌دهی؟ باشه مشکلی نداره ۹۰ تا سکه مهربه من را بده بعدش خودم ازت طلاقی می‌گیرم.

شاهین هم گفت: آخر من می‌دانم مشکل با خرید این گردنبند تمام نمی‌شود و هر روز یک چیز جدید می‌خواهی و من نمی‌توانم این طوری زندگی کنم اگر مرا دوست داری باید دست از این اخلاق و چشم و همچشمی برداری و وگرنه راهمان جدا می‌شود.

بیتا گفت: مرا تهدید می‌کنی؟ مطمئن باش طلاق می‌گیرم و با دوستم به خارج از کشور می‌روم و زندگی بهتری بخواهم داشت در ضمن این را بدان اگر به خاطر پولت نبود اصلاً جواب سلامت را هم نمی‌دادم چه برسد که با تو ازدواج کنم. این حرف بیتا باعث تعجب و ناراحتی شدید شاهین شد و گفت: جناب قاضی اگر یک درصد تمایل داشتم به زندگی با این خانم ادامه بدهم با شنیدن این حرف‌ها دیگر حاضر نیستم با او زندگی کنم.

این حرف باعث شد بین بیتا و شاهین درگیری لفظی ایجاد شود که با دخالت بموقع قاضی چند دقیقه‌ای سکوت حاکم شد سپس قاضی گفت باید یک ماه به کلاس‌های مشاوره بروید بعد حکم را صادر می‌کنم ولی ا کاش قبل از ازدواج یاد می‌گرفتید که زندگی مشترک جای لعبازی نیست شما زن و شوهر هستید و اصل مهم در زندگی احترام متقابل است.

نگاه کارشناس امرحسین صفدری کارشناس حوزه خانواده

مقایسه و چشم و همچشمی یکی از آفت‌های کشنده زندگی مشترک است. بیتا مقایسه زندگی خودش و دیگران بزرگ‌ترین آسیب را به زندگی مشترکش وارد کرده این زوج اگر قبل از ازدواج بر اساس صداقت و شناخت کافی با هم شاهین هم لعبازی کند این زندگی دومی نخواهد داشت، چرا که به هیچ وجه نباید باطن زندگی مشترک خود را با ظاهر زندگی دیگران مقایسه کرد.

مرگ رئیس اداره ورزش ماهشان در سانحه رانندگی

گروه حوادث/ رئیس اداره ورزش و جوانان شهرستان ماهشان استان زنجان در یک سانحه رانندگی جان باخت.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، حدود ساعت ۲۰ جمعه ۲ مهر برخور یک دستگاه سواری پژو پارس با یک دستگاه خودروی سواری هیوندای آژرا در مسیر ارتباطی قیدار به ابهر، منجر به مرگ

هادی مرادی، رئیس اداره ورزش و جوانان شهرستان ماهشان شد. سرهنگ مهدی میناخانی، جانشین رئیس پلیس راه فرماندهی انتظامی استان زنجان در این باره گفت: این حادثه رانندگی در کیلومتر سه مسیر ارتباطی قیدار به ابهر و به‌علت تجاوز به چپ خودروی مصدوم راننده این خودرو بشدت مصدوم و به منظور درمان به بیمارستان امیرالمؤمنین شهرستان خدابنده منتقل شد که به‌رغم تلاش پزشکان معالج به کام مرگ فرو رفت.

وی با بیان اینکه راننده خودروی سواری هیوندای آژرا نیز در این حادثه رانندگی مصدوم شده بود، اظهار داشت: کارشناسان پلیس راه اعزامی به محل حادثه، راننده متوفی را به‌علت تجاوز به چپ، مقصر در این حادثه رانندگی شناختند. غفار امانی، معاون ورزشی اداره کل ورزش و جوانان استان زنجان نیز گفت: «هادی مرادی» ۴۰ ساله، مجرد و دارای مدرک دکتری تربیت بدنی بود وی در اسفند سال ۹۶ به استخدام اداره کل ورزش و جوانان استان زنجان درآمده و از ۱۹ مرداد سال ۹۹ نیز به‌عنوان رئیس اداره ورزش و جوانان شهرستان ماهشان منصوب شده بود اما جمعه شب بر اثر تصادف رانندگی در مسیر ارتباطی قیدار - ابهر، جان خود را از دست داد. پیکر این مرحوم در زادگاهش «روستای نظرآباد» شهرستان خدابنده به خاک سپرده شد.



کوچه شوند و به آنها راه دادیم بعد که متوجه شدیم که پلیس هستند دست به اسلحه شدیم. بعد از اینکه خودروی پژو ۲۰۷ را سرقت کردید کجا رفتید؟

انتهای ملارد بعد با خانواده‌ام تماس گرفتیم و گفتم که برایم چنین اتفاقی افتاده است. همانجا ماشین سرقتی را رها کردیم و سوار بر خودروی یکی از افراد خانواده‌ام به خانه‌ام در فردیس رفتیم. وقتی به ویلایمان رفتیم چون پایم تیر خورده بود یک نفر کارهای پانسمان پایم را انجام داد. بعد هم می‌خواستیم به شهرستان برای عمل جراحی برویم که باز داشت شدم.

انگیزه سرقت‌ها چه بود؟

ما به پول نیاز داشتیم و برای همین سرقت‌ها را شروع کردیم. از این سرقت‌ها ۵۰۰ میلیون تومان گیرم آمده که فقط توانستم یکی دوتا از بدهی‌های مالی‌ام را پرداخت کنم.

زن جوانی که با شما دستگیر شده کیست؟ چرا بعد از دستگیری برادرت به سرقت‌ها ادامه دادی؟

برادرم باید رد مال شاکي هایش را می‌داد برای این رد مال مجبور بودم که سرقت کنم. به همین دلیل یک تیم جدید تشکیل دادم و دو سرقت مسلحانه طلا فروشی را رقم زدیم که هر دو ناموفق ماند.

چون مجهز به سیستم دودزا بود، به محض اینکه صاحب مغازه متوجه شد که ما قصد سرقت داریم، سیستم را فعال کرد و ما هم مجبور به فرار شدیم.

سابقه‌داری؟

اولین جرمی که مرتکب شدم سرقت خانه بود آن زمان حدود ۲۰ سالم بود و بعد هم به خاطر آدم ربایی بازداشت شدم.

ماجرای آدم‌ربایی چه بود؟

آذر سال ۹۶ دانشجوی نخبه‌ای، وسیله‌ای اختراع کرده بود که با این اختراع می‌شد، تمام درهای واحدهای مسکونی و ادارات و سازمان‌ها را باز کرد. شاکي آگهی فروش دستگاه‌اش را در اینستاگرام و گروه‌های تلگرامی گذاشته بود و ما این تبلیغ را دیدیم. ما هم که این وسیله برای سرقت هایمان به درد می‌خورد با شاکي تماس گرفتیم. اما مخترع جوان دستگاه را به ما نمی‌فروخت و پول بیشتری می‌خواست. ما هم با تهدید اسلحه او را ربودیم و چند متر آن طرف‌تر هم پیاده کردیم. اما به خاطر همین جرم ۲ سال زندانی شدم.

شبی که منجر به تیراندازی در بزرگراه همت شد چه نقشه‌ای داشتید؟

می‌خواستیم سرقت خانه انجام دهیم. دنبال یک مورد مناسب بودیم که مأموران کلانتری به ما مشکوک شدند. ابتدا فکر کردیم می‌خواهند وارد

طلا سرقت کردیم. دومین سرقت ۱۷۷ تیر همان سال از طلا فروشی در بهارستان انجام دادیم و سه کیلو و ۷۰۰ گرم طلا با خود بردیم. سومین سرقت ۱۶ مرداد سال ۹۹ از یک طلا فروشی بود که یک و نیم کیلو طلا سرقت کردیم. چهارمین سرقتی که با برادرم مرتکب شدم، ۲۸ مرداد سال ۹۹ در بلوار اصلی باقر شهر بود که صاحب مغازه دوکمه مها (مرکز هشدار الکترونیکی) را به صدا درآورد و ویتزین ناگهان حذف شد و ما در آن سرقت ناموفق ماندیم.

دو سرقت دیگر از کجا بود؟

آنها را بعد از دستگیری برادرم انجام دادم که هر دوی آنها ناموفق ماند. اولین سرقت بعد از اینکه برادرم دستگیر شد ۲۳ مرداد امسال، حوالی ساعت ۱۸ صبح بود که به همراه چهار همدستم در حالی که سرتا پا لباس‌های آبی به تن داشته و صورت هایمان را پوشانده بودیم، از خودروی پژو پارس خود پیاده شده و قصد سرقت طلا فروشی در خیابان ولیعصر شهریار را داشتیم. اما از آنجایی که شیشه‌های مغازه ضد گلوله بود، با چند تیری که شلیک کردیم موفق نشدیم که

همزمان هم پلیس به محل رسید و ما مجبور به فرار شدیم. دومین سرقت را ۴ شهریور، چند روز قبل از ماجرای تیراندازی در بزرگراه همت، انجام دادیم که این سرقت هم ناموفق بود. طلا فروشی شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران از خود دفاع در اسلامشهر را برای سرقت انتخاب کردیم و

عاملان تیر اندازی در بزرگراه همت دستگیر شدند

ماجرای تبهکاری‌های ۲ برادر دوقلو

گروه حوادث-مرحان همایونی/ سارق مسلحی که سابقه دستبرد به ۸ طلا فروشی را در کارنامه خود دارد وقتی برادر دوقلوش به اتهام سرقت مسلحانه به زندان افتاد تصمیم گرفت یک باند تبهکاری و سرقت تشکیل دهد اما پس از درگیری با پلیس و مجروح کردن یک مأمور سرانجام در عملیات ویژه پلیس استان تهران دستگیر شد. به گزارش «ایران»، ساعت ۹ شب ۱۸ شهریور امسال مأموران گشت کلانتری ۱۴۰ باغ فیض متوجه رفتار مشکوک سه سرنشین یک خودروی پژو پارس سفید رنگ شدند. با استعلام شماره پلاک خودرو مشخص شد مدتی قبل به سرقت رفته است. وقتی مأموران کلانتری به دنبال خودروی مشکوک وارد کوچه‌ای بن بیست در محدوده بزرگراه همت شدند سرنشینان پژو قصد دور زدن و خروج از کوچه را داشتند که با خودروی پلیس روبه‌رو شدند در همین هنگام پژو سواران دست به اسلحه شده و اقدام به تیراندازی کردند. در این میان یکی از مأموران و یکی از سارقان با شلیک گلوله مجروح شدند و زن جوانی که در حال عبور از آن کوچه بود نیز با شلیک گلوله مجروح شد. متهمان را به ره‌گبار بستن کوچه، پای پیاده به سمت بزرگراه همت فرار کردند و راه را بر یک خودروی پژو ۲۰۷ سفید رنگ سد کرده و با بیرون کشیدن راننده خودرو را سرقت کردند.

سرنخی از متهمان

در بازرسی از داخل خودرو پژو، دو دود ساک حاوی ۲ قبضه سلاح گرم، یک قبضه سلاح وینچستر و ۳ قبضه انواع کلت کمری به همراه ۱۰ تیفه خشاب اسلحه کلاشینکف و ۳۲۱ تیر جنگی مربوطه با ده‌ها تیر فشنگ انواع سلاح‌های کمری کشف شد. همزمان با تیراندازی و فرار مردان مسلح، کارآگاهان اداره یکم پلیس آگاهی پایتخت وارد عمل شده و تحقیقات آغاز شد. در بازبینی دوربین‌های مدار بسته اطراف محل حادثه تصویر متهمان به دست آمد و هویت یکی از آنها بر ملا شد. بررسی‌ها نشان می‌داد مرد جوان به‌نام شاهرخ، برادر دوقلوی متهمی است که اردیبهشت امسال به همراه اعضای باند سرقت مسلحانه از طلا فروشی‌های اطراف پایتخت بازداشت شده و به زندان افتاده بود.

۷ ساعت مراقبت

در ادامه تحقیقات و ۱۲ روز پس از تیراندازی در بزرگراه همت، مخفیگاه متهمان در اطراف تهران شناسایی شد. بدین ترتیب کارآگاهان اداره یکم پلیس آگاهی پایتخت با همکاری کارآگاهان پلیس غرب استان تهران و پس از هماهنگی‌های قضایی با بازپرس علیرضا یهستی، ساعت ۶:۳۰ دقیقه عصر چهارشنبه گذشته مخفیگاه متهمان را زیر نظر گرفتند و پس از ۷ ساعت مراقبت نامحسوس، کارآگاهان ساعت ۱۳:۰ دقیقه با مصداق پنجاهشنبه اول مهر وارد خانه ویلایی شده و متهمان را در حالی بازداشت کردند که تعداد زیادی مهمات و سلاح‌های جنگی، وسایل سرقتی، اسناد و مدارکی که سارقان در سرقت‌های منازلشان به‌دست آورده بودند در مخفیگاهشان وجود دارد.

در بررسی‌ها مشخص شد که سارقان برای سرقت از خانه‌های بالای شهر با دستگاهی خاص، دستگاه‌های ریموت درهای ورودی را از کار انداخته و به کمک ریموت‌های خودشان وارد ساختمان شده‌و با کلیدها و شاه کلیدها، وارد آپارتمان‌ها شده و اقدام به سرقت کالو صندوق داخل خانه می‌کردند.

سردار حمید هداوند، جانشین فرماندهی

درخواست متهم ۶۰ ساله از قضات دادگاه:

مرا به زندان برنگردانید

گروه حوادث/ جلسه محاکمه مرد نگهبان که در یک درگیری سارقی را به قتل رسانده بود از جنبه عمومی جرم برگزار شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، حدود یک سال قبل صدای شلیک شبانه در یک زمین کشاورزی حوالی ورآمین ساکنان منطقه را به محل حادثه کشاند و آنها با جسد مرد جوانی روبه‌رو شدند.

در ادامه موضوع به پلیس اعلام شد و نگهبان ۶۰ ساله‌ای که به شلیک گلوله اعتراف کرده بود گفت: من سال هاست در زمین کشاورزی بزرگی که در آن یک دامداری و یک کارگاه بزرگ قرار دارد مشغول به کار هستم. نیمه شب دو مرد ناشناس که صورت‌هایشان را پوشانده بودند وارد زمین کشاورزی شدند و قصد سرقت از دامداری را داشتند که من سر و صدا کردم و به آنها ایست دادم اما به سمت من حمله‌ور شدند و من برای دفاع از خود ناچار به شلیک شدم ولی قصد کشتن هیچ یک از آنها را نداشتم. صاحب این محل برای من یک اسلحه تهیه کرده و مجوز هم گرفته بود و من از سالی که در این محوطه مشغول نگهبانی شدم با خودم اسلحه حمل می‌کردم. در این منطقه به دلیل صنعتی بودن منطقه سارق زیاد است و امنیت کافی نیست، به همین دلیل هم با حمل سلاح من موافقت شد.

در بررسی‌های پلیسی مشخص شد مقتول ۳۰ ساله چند سابقه سرقت در پرونده‌اش دارد.

با افزایش این ماجرا و در حالی که اولیای دم درخواست قصاص داشتند متهم قبل از جلسه دادگاه توانست با کمک صاحب دامداری و پرداخت دیه مقتول رضایت اولیای دم را جلب کند و فقط از جنبه عمومی جرم در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران از خود دفاع کرد.

در ابتدای جلسه نماینده دادستان کیفرخواست را خواند و گفت: با توجه به رضایت اولیای دم از جنبه عمومی جرم و طبق ماده ۶۱۲ برای داوود تقاضای مجازات دارم.

در ادامه متهم گفت: من سه فرزند دارم و در مدتی که زندان بودم همسر و فرزندانم سختی زیادی کشیدند. حالا هم که بعد از حادثه با وثیقه از زندان آزاد شده‌ام بیکار هستم و زندگی‌ام به هم ریخته است. من دو سال خیلی سخت را گذراندم، در این سن و سال از دادگاه درخواست دارم با توجه به اینکه دو سال است نتوانستم کار کنم و هرچه پس‌انداز داشتیم هم تمام شده است دیگر مجازات حبس به من ندهند و آزادم کنند تا بتوانم دوباره به زندگی برگردم.

قضات بعد از پایان دفاعیات وارد شور شدند تا رأی صادر کنند.

اعطای مدال عالی پدافند غیرعامل به «علی لندی»



گروه حوادث/ همزمان با مرگ غم انگیز «علی لندی» نوجوان شجاع و فداکار ایده‌ای مدال عالی پدافند غیرعامل به یاد این پسر قهرمان به خانواده‌وی اعطا شد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، علی ۱۵ ساله که به خاطر نجات دو زن همسایه از میان شعله‌های آتش دچار سوختگی ۹۱ درصدی شده بود با امداد جمعه در مهر پس از ۱۵ روز جدال با مرگ سرانجام به علت مشکلات تنفسی و عفونت ناشی از سوختگی شدید در بیمارستان سوانح سوختگی اصفهان جان باخت و پیکرش عصر جمعه در میان بدرقه پرشور مردم و مسئولان استان اصفهان به زادگاهش -ایذه- منتقل شد. همزمان با این حادثه تلخ حسن نبوتی سرپرست فرمانداری ایذه به مناسبت درگذشت این نوجوان فداکار و با هماهنگی استانداری خوزستان روز شنبه را روز عزای عمومی در این شهرستان اعلام کرد و آیین تشییع پیکر این نوجوان فداکار نیز از میدان آزادگان به سمت گلزار شهدای بولطک لندی برگزار شد.

روز گذشته همچنین سردار غلامرضا جلالی، رئیس سازمان پدافند غیرعامل کشور نیز با صدور پیامی درگذشت علی لندی را تسلیت گفت. در بخشی از پیام که خطاب به خانواده این نوجوان دهه هشتادی، در است: این نوجوان دهه هشتادی، در هفته دفاع مقدس یاد و منش شهدای دفاع باخت و پیکرش عصر جمعه در فهمیده و شهید بهنام محمدی را زنده کرد. ضمن ابراز تسلیت و همدردی با خانواده این نوجوان فداکار اعلام می‌دارم که مدال عالی پدافند غیرعامل به عنوان کمترین کار در تمجید از این فرزند مکتب

ایثار و رشادت حضرت ابوالفضل (ع) از سوی این سازمان به خانواده این نوجوان اهدا خواهد شد. **پیشنهادهای اقدام شجاعانه «علی لندی» در کتب درسی** در این رابطه کوروش مودت مدیرکل آموزش و پرورش خوزستان نیز گفت: با هماهنگی با سرپرست وزارت آموزش و پرورش بنا بر این شد که با هماهنگی اداره‌کل نوسازی مدارس خوزستان یک بنای آموزشی به نام «علی لندی» نامگذاری شود و پیشنهاد به‌هیم که در صفحات مربوط به اقدامات مهم شخصیت‌ها در کتب درسی از این دانش آموز یاد شود.